خارج فقه جلسه 17 - مسح بر حائل - 03/08/1401

موضوع: (مسح بر حائل درحال ضرورت- ادله - اشکالات علما - جواب استاد)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

بحث این بود که آیا عند الضرورة مسح بر روی حائل جایز است یا نه؟ گفتیم عمده روایات است و روایت اول در جلسه قبل گذشت.

اما اشکال به حدیث: این بود که سندا مخدوش است چون ابی الورد در علم رجال توثیق ندارد.

جواب استاد: در سلسله سند جناب حماد بن عثمان است و درباره اصحاب اجماع وارد شده که «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصحح عنهم» و جناب حماد جزء اصحاب اجماع است، ضمن اینکه صاحب جواهر[[1]](#footnote-1) از کتاب وجیزه علامه مجلسی ره و کتاب بُلغة ابی الحسن نقل می‌کند که ابی الورد در روایات ممدوح است.

اما دلالت حدیث: علمای شیعه فرمودند دلالت حدیث مطلق است یعنی شامل حالات مختلف ضرورت می‌شود حتی تقیه و اگر در روایت مثال به برف (ثلج) زد از باب تعیین مورد و خصوصیت نیست بلکه از باب مثال است و لذا این صحیحه قید می‌زند اما روایاتی که ما را نهی می‌کند از مسح بر روی کفش و ... که آن‌ها درست است الا در حال ضرورت.

روایت دوم: از عبد الأعلی مولی آل سام: متن روایت: محمد بن الحسن بإسناده عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن علي بن الحسن بن رباط، عن عبد الأعلى مولى آل سام، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام عثرت فانقطع ظفري فجعلت على أصبعي مرارة فكيف أصنع بالوضوء؟ قال: يعرف هذا وأشباهه من كتاب الله عز وجل، قال الله تعالى: ما جعل عليكم في الدين من حرج، امسح عليه.[[2]](#footnote-2)

تقریب استدلال: استدلال درصورتی‌ است که انقطاع ناخن و مراره به عنوان مثال باشد لذا هر ضرورتی که از باب وضو پیدا شد می‌توان از آیه حرج استفاده کرد و ضرورت را برطرف کرد، شاهد بر مثال بودن بیان امام علیه السلام این است که فرمودند یعرف هذا و اشباهه که این مورد و شبیه این مورد را از آیه استفاده کن.

اشکال آقای حکیم بر دلالت حدیث: این حدیث نفی عسر و حرج می‌کند و اثبات حکم نمی‌کند یعنی نمی‌توانید جواز مسح بر کفش را استفاده کنید بلکه فقط حرج منفی است و ریشه فکری ایشان این است که آیا با این مسح بر روی کفش مشروعیت این وضوی ناقص بدست می‌آید یا نه؟ که این حرج جنبه ثبوتی ندارد که مشروعیت درست بکند بلکه جنبه سلبی دارد و نفی می‌کند.

اشکال استاد به ایشان: که ما می‌توانیم از این حدیث استفاده کنیم از عبارت امام علیه السلام که فرمود امسح علیه که این مشروعیت را می‌رساند و دیگر بعد از این بیان امام سائل سؤالی نکرد که از کجای آیه وجوب مسح را بدست آوردید درحالی‌که آیه برای نفی حرج است و از این سکوت بدست می‌آید که آنچه در ذهن سائل آمده قاعده میسور است که به حد میسور عمل کنید.

روایت سوم: فحوای روایات[[3]](#footnote-3) وضوی جبیره است که مسح جبیره مجزی است. پس وقتی بر ما واجب نیست شستن داخل جراحت و حتی بر روی زخم رساندن آب واجب نیست و امام صحبتی از تیمم نمی‌کنند و این مسح جبیره ای مجزی از تیمم است پس به‌طریق‌اولی مسح مجزی است و تیمم بدل از وضو لازم نیست و وجه اولویت این است که همان‌طوری که زخم مانع از شستن است ضرورت‌ها هم مانع از رساندن آب مسح به پوست است.

اشکال: از مرحوم سید محمد در مدارک و آقای خویی که مسح بر کفش جایز نیست و واجب است تیمم کند چون شخصی که از طهارت مائیه عاجز است وظیفه‌اش تیمم است و قاعده داریم که اگر کسی متعذر از جزء وضو شد او را عاجز از وضو می‌دانیم و کسی که عاجز از وضو است تیمم می‌کند.

اشکال استاد: در بسیاری از موارد افراد عاجز از وضو بوده‌اند ولی وظیفه‌شان تیمم نیست مثل کسی که دست او قطع شده است لذا اگر شک کند که این آقا عاجز است یا نه اصلی نداریم.

اما قول قائلین: به جایز نبودن مسح روی کفش الا در صورت برف و سرما مثل محقق در معتبر و صدوق در مقنع و ملا محسن در مفاتیح که به روایاتی استناد کرده‌اند.

روایت اول: صحیحه زراره، متن روایت: محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن حماد، عن حريز، عن زرارة، قال: قلت له: في مسح الخفين تقية، فقال: ثلاثة لا أتقي فيهن أحدا: شرب المسكر، ومسح الخفين، ومتعة الحج، قال زرارة: ولم بقل الواجب عليكم أن لا تتقوا فيهن أحدا. [[4]](#footnote-4)

که به امام گفتم آیا از باب تقیه می‌شود بر روی کفش مسح کرد حضرت فرمود در سه چیز تقیه نیست یکی در شرب خمر و دیگر در مسح کفش تقیه نیست. حال آیا می‌شود به این‌ها عمل کرد یا نه؟ چون این دو روایت نص و صریح است.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. جواهر ج ۲ ص ۲۴۱ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل ج ۱ ص ۳۲۷ ح ۵ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل ج ۱ ص ۳۲۶ تا ۳۲۸ باب ۳۹ [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل ج ۱ ص ۳۲۱ باب ۳۸ از ابواب الوضوء [↑](#footnote-ref-4)